

مقدمه

توسعه تعاریف متعددی از نگاه اندیشمندان مختلف بسته به خاستگاه جغرافیایی و معرفتی آنان دارد که در منابع مختلف ارائه شده است [۹]. به طوری که هر کدام از این تعاریف مواردی چون افزایش توانمندی‌ها و شایستگی‌های افراد و جامعه، تغییرات مثبت فنی و ارزشی، رفع فشارها و مشکلات موجود و به وجود آمده در بخش‌های مختلف زندگی اجتماعی و انسانی، گذار یک جامعه‌ی سنتی به یک جامعه‌ی صنعتی با استفاده از علم، تکنولوژی و صنعت، تجدید سازمان و جهت‌گیری کل نظام اقتصادی و اجتماعی، بهبود میزان درآمد و تولید به همراه کاهش نابرابری اجتماعی و در بسیاری موارد تغییر عادات، رسوم و عقاید را توسعه نامیده‌اند [۹]. با وجود تعاریف متفاوت، آنچه از بررسی دیدگاه‌های اندیشمندان این عرصه می‌توان نتیجه گرفت، تاثیر مبانی معرفتی، فلسفی و اخلاقی هر جامعه یا مکتب بر نوع الگوی مطلوب آن جامعه یا مکتب است که تجویز نسخه‌ی واحدی از توسعه برای تمام جوامع را ناممکن می‌کند. بر همین اساس کشور جمهوری اسلامی ایران نیز پس از انقلاب شکوهمند اسلامی با تدوین اسناد بالادستی مانند برنامه‌های پنج‌ساله‌ی توسعه سیکرده استایران را به کشوری توسعه یافته، متناسب با مقتضیات فرهنگی، جغرافیایی و تاریخی خود و متکی بر اصول اخلاقی و ارزش‌های اسلامی، ملی و انقلابی مبدل سازد [۶]. بر همین اساس تاکنون پنج برنامه‌ی پنج‌ساله‌ی توسعه مورد تصویب و به اجرا درآمده است و برنامه‌ی ششم نیز مراحل نهایی تصویب خود را طی می‌کند. این اسناد با توجه به شرایط و الویت‌های زمانی حاکم بر کشور دارای بخش‌های مختلفی از نظر حوزه‌های مورد توجه حاکمیت و مدیریت کشور بوده است که یکی از مهم‌ترین این بخش‌ها، مسائل و اهداف مورد نظر در بخش کشاورزی، محیط زیست و منابع طبیعی‌هاست. بخش کشاورزی منابع طبیعی متناسب با آن توجه به آب و خاک و محیط زیست به دلیل تامین غذا و ایجاد امنیت غذایی و شکل‌دهی نظم و ثبات در جامعه و نقش مهم آن در استقلال کشور اهمیتی مضاعف دارند. هم‌چنین‌پایداری خروجی‌های حاصل از این بخش‌ها نیازمند توجه و برنامه‌ریزی صحیح و به‌هنگام و مناسب و متناسب با شرایط زمانی و مکانی را نیز می‌طلبد که برنامه‌ریزان و قانون‌گذاران سعی در توجه به آن داشته‌اند. از طرفی کشاورزی، آب و خاک، بستر تولید و محیط زیست در قالب واحدهایی قابل مدیریت می‌باشند که تحت عنوان حوزه‌های آبخیز شناخته می‌شوند. هر گونه اقدام و عملیات حفاظتی، احیایی و

 آسیب‌شناسی جایگاه آبخیزداری در اسناد پنج‌ساله‌ی
توسعه‌ی کشور
سعید نجفی^۱

تاریخ دریافت: ۹۴/۶/۲۱ تاریخ پذیرش: ۹۴/۸/۲۸

چکیده

کشور جمهوری اسلامی ایران پس از انقلاب شکوهمند اسلامی با تدوین اسناد بالادستی مانند برنامه‌های پنج‌ساله‌ی توسعه سعی کرده است ایران را به کشوری توسعه یافته، متناسب با مقتضیات فرهنگی، جغرافیایی و تاریخی خود و متکی بر اصول اخلاقی و ارزش‌های اسلامی، ملی و انقلابی مبدل سازد. این اسناد با توجه به شرایط و الویت‌های زمانی حاکم بر کشور دارای بخش‌های مختلفی از نظر حوزه‌های مورد توجه حاکمیت و مدیریت کشور بوده است. یکی از مهم‌ترین این بخش‌ها، مسائل و اهداف مورد نظر در بخش کشاورزی و محیط زیست و منابع طبیعی‌هاست. لذا بررسی میزان توجه برنامه‌های پنج‌ساله‌ی کشور به جایگاه حفاظت خاک و آبخیزداری سبب درک جامعی از تناسب برنامه‌ریزی‌ها با واقعیت‌ها و معضلات موجود در منابع طبیعی کشور خواهد شد. مطالعه‌ی اسناد پنج‌ساله‌ی توسعه‌ی کشور نشان می‌دهد که برنامه‌ریزان تلقی و درک صحیحی از نقش حوزه‌های آبخیز و حفاظت آب و خاک و آبخیزداری در تولید ناخالص ملی و تحقق توسعه‌ی پایدار ندارند. بر همین اساس در اکثر برنامه‌ها رویکرد دقیق و مشخصی در مورد حفاظت از این منابع تکلیف نشده و به مواد قانونی محدود و اغلب کلی و کیفی بسنده شده است.

واژه‌های کلیدی: انجمن‌های علمی، حفاظت خاک، فرسایش خاک، قوانین منابع طبیعی، نشریه‌های منابع طبیعی

۱- دانشجوی دکترای (نویسنده مسئول) علوم و مهندسی آبخیزداری دانشگاه تربیت مدرس najafisaid65@yahoo.com

جدول ۱- نگاه کلی به برنامه‌های پنج‌ساله توسعه کشور با محوریت منابع طبیعی و محیط‌زیست

برنامه‌های توسعه	کل ماده‌ها یا بندهای قانونی	مواد قانونی مختص محیط‌زیست، منابع طبیعی و آمایش سرزمین	از نظر استفاده از منابع طبیعی	نوع رویکرد
اول	۱۰ خط مشی کلان	یک خط مشی کلان	کمّیو فشار بر منابع	کیفی و کاملاً مبهم
دوم	۱۶ خط مشی کلان	دو خط مشی کلان	کمّی و فشار بر منابع	کیفی و کاملاً مبهم
سوم	۱۹۹	شش	کمّی و فشار بر منابع	کیفی و کاملاً مبهم
چهارم	۱۶۱	۳۲	کمّی	کمّی و مشخص- درمانی
پنجم	۲۳۵	۱۷	کمّی	کمّی و مشخص- درمانی

یا اصلاحی در این واحدها با عنوان آبخیزداریا مدیریت حوزه‌های آبخیز و در راستای کشاورزی پایدار و حفاظت از محیط زیست و به‌عنوان جزئی از توسعه پایدار کشور بر اساس اسناد پنج‌ساله توسعه کشور می‌باشد.

بر همین اساس در این مقاله سعی خواهد شد تا با بررسی برنامه‌های پنج‌ساله توسعه کشور، میزان توجه این اسناد به جایگاه آبخیزداری که نقش بی‌بدیلی در تحقق توسعه پایدار کشور دارد مورد کنکاش و آسیب‌شناسی قرار گیرد. از طرفیاز مهم‌ترین دلایل پرداختن به این پژوهش مواردی چون الف) اتخاذ سیاست‌ها و راهبردهایمناسب و متناسب با وضعیت کنونی و آینده‌ی موضوع مورد برنامه‌ریزی، به‌عنوان نخستین مرحله برای تحقق توسعه پایدار، ب) لزوم بررسی تناسب اهداف و انتظارات تصریح شده در اسناد و برنامه‌ریزی‌ها با واقعیت‌های موجود و ب) درک صحیح از اقدامات گذشته و حال جامعه تخصصی منابع طبیعی کشور در راستای عملیاتی کردن رسالت خویش بوده است.

نگاهی کلی به برنامه‌های توسعه کشور از نظر کشاورزی و منابع طبیعی

اولین برنامه پنج‌ساله توسعه کشور (۱۳۶۸-۱۳۷۲) با توجه به شرایط و خرابی‌های حاصل از جنگ تحمیلی، با محوریت بیش‌ترین توجه به بازسازی خرابی‌های حاصل و حداکثر استفاده از ظرفیت‌های موجود بر مبنای رشد اقتصادی تدوین شده است. بر همین اساس در این برنامه روح حاکم بر قوانین، حداکثرسازی استفاده از اراضی کشاورزی و منابع آب با تاکید بر کشاورزی یک‌پارچه بوده است. به‌طوری که تامین اعتبار سدهای در دست احداث و افزایش صادرات بخش معادن و کشاورزی از طریق حداکثر استفاده از ظرفیت‌های موجود از تکالیف برنامه است [۴]. برنامه دوم توسعه کشور (۱۳۷۸-۱۳۷۴) نیز روندی مشابه با برنامه اول و تثبیت دستاوردهای آن را دنبال کرده است و رشد اقتصادی از اصلی‌ترین اهداف آن بوده و بر همین اساس در این برنامه نیز به خودکفایی در تولیدات کشاورزی و الویت اعتبارات منابع آب و کشاورزی و منابع طبیعی پرداخته شده است به‌طوری که ارائه تسهیلات بانکی و کشاورزی برای کشت یکپارچه و خرید تضمینی محصولات کشاورزی از اهم فعالیت‌ها هستند. توجه به حداکثرسازی استفاده از

اراضی کشاورزی و منابع طبیعی به حدی بوده که در ماده اول بند ب آمده است: "دولت در صورت عدم تحقق درآمدهای پیش‌بینی شده، با رعایت الویت‌های برنامه دوم به استثنا اعتبارات فصول منابع آب و کشاورزی و منابع طبیعی نسبت به کاهش اعتبارات فصول مختلف اقدام می‌نماید" [۱۱]. برنامه سوم توسعه (۱۳۸۳-۱۳۷۹) هر چند تا حدودی از نگاه صرفاً اقتصادی فاصله می‌گیرد و اصلاح ساختارهای اقتصادی را نیز در نظر می‌گیرد اما در بخش کشاورزی هم‌چنان به استفاده حداکثری از توان کشاورزی بدون توجه به اصول حفاظتی و احیایی تاکید دارد تا جایی که بر اساس ماده ۱۰۹ برنامه، برای تحقق حداکثر رشد پیش‌بینی شده در بخش آب و کشاورزی، ساخت سدهای کوچک و بزرگ برای حداکثر استحصال آب، تکلیف شده است و حتی در اصطلاحی جالب، تامین ماشین‌آلات و ادوات کشاورزی برای رفع بحران مکانیزاسیون کشاورزی در کشور مورد توجه قرار گرفته است [۱۲].

برنامه چهارم توسعه کشور (۱۳۸۸-۱۳۸۴) با توجه به این‌که در قالب سند چشم‌انداز ۲۰ ساله تهیه شده است از جامعیت بهتری از نظر تمام اجزای سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، کشاورزی و زیست‌محیطی برخوردار می‌باشد. شاید بتوان گفت این اولین برنامه‌ای است که در آن به‌صورت کمّی و با استفاده از شاخص‌های غیرمبهم و قابل اندازه‌گیری به موضوعات منابع طبیعی و به‌ویژه آبخیزداری پرداخته شده است. این برنامه در هفت بخش و ۱۶۱ ماده تدوین یافته که بخش دوم آن با دو فصل مربوطه، مختص محیط زیست و منابع طبیعی است و نشان از افزایش توجه به محیط‌زیست و منابع طبیعی به‌صورت کلی دارد [۵].

برنامه پنجم توسعه کشور (۱۳۹۴-۱۳۸۹) نیز سعی شده است در قالب سند چشم‌انداز ۲۰ ساله کشور تدوین شود. در این برنامه که شامل دو بخش کلی که به نه فصل تقسیم شده است، توجه به بخش آب و کشاورزی و منابع طبیعی و محیط زیست روند منسجم و تکاملی به خود گرفته و بخش آب و کشاورزی تحت فصل اقتصادی (فصل پنجم برنامه) و بخش محیط‌زیست تحت فصل توسعه منطقه‌ای (فصل ششم) عناوینی جدا و مخصوص را به خود اختصاص داده‌اند. روند قانون‌گذاری کمّی و با معیار توجه به مسائل آبخیزداری در این برنامه نیز مانند برنامه قبل ادامه داشته و نوید بخش است [۳]. جدول ۱ نگاه کلی به برنامه‌های

پنج‌ساله‌ی توسعه‌ی کشور و چگونگی توجه آن‌ها به منابع طبیعی و محیط‌زیست را نشان می‌دهد.

قوانین مختص آبخیزداری و حفاظت خاک در برنامه‌های توسعه

برنامه‌ی اول توسعه

به نظر می‌رسد برنامه‌ی اول توسعه، برنامه‌ای است که در آن ایجاد فشار بر منابع طبیعی کشور آغاز و شکلی رسمی به خود می‌گیرد. در مقابل، اقدامات مناسب و متناسب احیایی، حفاظتی و مدیریتی هرگز مورد توجه قرار نمی‌گیرد. به عنوان مثال در بخش "تصویر کلان برنامه" در قسمت نیروی انسانی و اشتغال آمده است: "علی‌رغم افزایش ۲۰۰ هزار هکتاری اراضی زیر کشت، توسعه‌ی شبکه‌های آبیاری و عملیات وسیع زراعی و ۵/۸ درصد رشد سالانه‌ی تولیدات کشاورزی، به دلیل دو عارضه‌ی منفی بیکاری و کم‌کاری موجود در این بخش، فرصت شغلی جدیدی در این بخش حاصل نخواهد شد. خاصه این‌که نیل به خودکفایی نسبی جامعه، کاربرد کشت مکانیزه در زمینه‌ی فرآورده‌های استراتژیک کشاورزی نظیر دانه‌های روغنی، پنبه و دیگر الیاف گیاهی، چغندر قند، نیشکر و غلات را الزامی می‌کند" [۴]. بر همین اساس به نظر می‌رسد برای رفع عوارض مذکور در ادامه چنین آمده است: "بر این اساس بیش‌تر اشتغال جدیدی که در بنیان‌های کشاورزی ایران پدید خواهد آمد نه به فعالیت‌های زراعی، بلکه غالباً به صید و ماهیگیری، جنگل و مرتع که زمینه‌ی کار و فعالیت وسیعی دارند اختصاص خواهد داشت". همان‌طور که ملاحظه می‌شود ذهنیت برنامه‌ریزان امر در آن مقطع زمانی از جنگل و مرتع و به‌طور عام منابع طبیعی عرصه‌هایی با پتانسیل حداکثر استفاده از آن‌ها می‌باشد تا جایی که بار ایجاد اشتغال برای بخش مهمی از جامعه را معطوف به آن می‌کنند. در این میان مواردی را که بتوان به عنوان قوانین حفاظت و احیای منابع طبیعی از آن‌ها نام برد، محدود به یک یا دو بند می‌شود. به‌طوری که در خط‌مشی چهارم برنامه که مربوط به ایجاد رشد اقتصادی و ایجاد اشتغال مولد است، در میان ده‌ها تکلیف قانونی منجر به فشار بر منابع طبیعی، تنها به بند ۲۸-۴ با عنوان "تاکید بر حفظ، احیا، توسعه، و بهره‌برداری اصولی از منابع تجدید شونده و آبزیان" آن هم به صورت کاملاً کیفی، توصیه‌ای و مبهم اکتفا شده است [۴]. در خط‌مشی دهم که مربوط به توزیع مناسب جغرافیایی جمعیت می‌باشد، بند ۶-۳-۱۰ (نگه‌داشت جمعیت عشایری بر اساس رابطه‌ی تعادل یافته بین نسبت دام و ظرفیت مراتع) نه بر اساس نگرانی از تخریب منابع طبیعی که بر اساس حداکثر استفاده از سایر فرصت‌های استفاده نشده به تعادل دام و مرتع توصیه می‌کند. به‌طور کلی در این برنامه با توجه به فضای متأثر پس از جنگ در کشور، بیش‌ترین توجه معطوف به راه‌اندازی چرخه‌ی تولید بوده است و تنها چهار بند کلیو غیرکمی در مورد منابع طبیعی وجود دارد که فقط دو مورد آن حفاظتی است و به موضوع حفاظت خاک و آبخیزداری نیز پرداخته نشده است.

برنامه‌ی دوم توسعه

در بخش اول این برنامه که مربوط به ماده واحده‌ی آن می‌باشد، ۱۰۱ تبصره با بندهای مختلف تصویب شده است که تنها تبصره‌های ۷۷ و ۸۱ آن هم به صورت غیرمستقیم و به صورت غیرکمی به مقوله‌ی حفاظت خاک و آبخیزداری مربوط می‌شوند. البته با مقداری اغماض، تبصره‌های ۱۹، ۷۶ و ۸۲ را نیز می‌توان در زمره‌ی مواد قانونی حامی منابع طبیعی دانست با این تفاوت که یا اجرایی نشده‌اند و یا توان لازم در تأثیرگذاری برای حفاظت از منابع طبیعی را نداشته‌اند. به عنوان مثال در تبصره‌ی ۱۹ بند ط در راستای سیاست‌های صرفه‌جویی در مصرف آب کشاورزی دولت مکلف به تهیه‌ی آیین‌نامه اجرایی تعیین میزان مصرف معقول آب برای هر محصول در هریک از مناطق کشور شده است که می‌توان آن را هر چند غیرمستقیم اما در راستای حفاظت آب و خاک و آبخیزداری قلمداد نمود و شاید یکی از درخشان‌ترین نقاط برنامه در زمان خود باشد. تبصره‌ی ۷۶ مربوط به جلب سرمایه‌گذاری در اجرای طرح‌های آب و خاک کشاورزی، شبکه‌های فرعی آبیاری و زهکشی، دام و طیور و شیلات، احیای منابع طبیعی، شبکه‌های آبیاری و زهکشی و آبخیزداری بوده است. بند سوم تبصره‌ی ۷۷ نیز به تکلیف قانونی: «دولت موظف است ... تدابیر لازم جهت بیمه نمودن محصولات کشاورزی و دامی را به نحوی اتخاذ و اعمال نماید که تا پایان برنامه پنج ساله ... ده درصد (۱۰٪) سرمایه‌گذاری طرح‌های جنگل‌داری و مرتع‌داری و آبخیزداری مردمی تحت پوشش بیمه قرار گیرند» پرداخته و در بند چهارم از همین تبصره چنین آمده است: «به منظور بهره‌برداری بهینه از منابع طبیعی تجدید شونده و منابع دریائی و نیروی انسانی بخش کشاورزی و تسریع در امر یکپارچه‌سازی ... و جلوگیری از تخریب جنگل و مرتع و خاک و تبدیل زمین‌های زراعی به قطعات کوچک تدابیر لازم را جهت مطالعه و برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری نظام بهره‌برداری مطلوب در اراضی کشاورزی کشور با تأکید بر حمایت از تشکیل تعاونی‌های تولید زراعی، دامی، باغداری، و جنگل‌داری، مرتع‌داری و مکانیزاسیون در مناطق مستعد و مورد علاقه مردم اتخاذ و اعمال نماید». گذشته از تبصره‌ی ۸۲ که در بند سوم بهره‌برداری از منابع طبیعی کشور را منوط به توان بالقوه محیط زیست و ظرفیت قابل تحمل محیط با توجه به حفظ تعادل و تناسب محیط زیست کرده است، تنها تبصره‌ای که به مقوله‌ی حفاظت منابع طبیعی آن هم به صورت کلی پرداخته است تبصره‌ی کیفی، مبهم و کم‌رنگ ۸۱ می‌باشد. در این تبصره آمده است: به منظور حفظ، احیاء، توسعه و بهره‌برداری اصولی از منابع طبیعی دولت مکلف است اقدامات ذیل را به عمل آورد:

الف- تأمین سوخت مورد نیاز عشایر در شعاع ۵ کیلومتری با قیمت‌های رسمی کشور.

ب- الزام بهره‌برداران از منابع ملی نسبت به بازسازی آن

ج- سامان‌دهی خروج دام از جنگل‌ها و تجمع جنگل‌نشینان.

د- گماردن بخشی از نیروی انتظامی به منظور حفاظت از جنگل‌ها

و مراتع کشور و آموزش و تجهیز آن‌ها [۱۱].

بخش دوم از این برنامه نیز در محور دهم که مربوط به حفظ محیط زیست و استفاده بهینه از منابع طبیعی کشور می‌باشد نشان می‌دهد که اختلاط معنایی و حتی برداشت و تلقی اشتباه از مفاهیم منابع طبیعی و حفظ محیط‌زیست نیز صورت گرفته است. این محور بدین صورت است:

"محور دهم (حفظ محیط زیست و استفاده بهینه از منابع طبیعی کشور از طریق):

۱: تأکید بر حفظ، احیاء، توسعه و بهره‌برداری اصولی از منابع طبیعی

۲: توسعه عملیات تفصیلی اکتشاف و تجهیز و آماده‌سازی معادن مورد نیاز صنایع کشور

۳: بهره‌برداری هر چه بیشتر از معادن جهت تأمین مواد اولیه کارخانجات تولیدی کشور و جایگزین کردن مواد خام و نیمه ساخته داخلی به جای مواد وارداتی

۴: برداشتن کلیه موانع و ایجاد همه گونه تسهیلات برای مشارکت معدن کاران غیر دولتی در انجام فعالیت‌های اکتشافی و تولیدی" [۱۱].

بندهای دوم، سوم و چهارم از این محور به دلیل تلقی نادرست برنامه‌ریزان از عبارت «استفاده بهینه از منابع طبیعی»، بهره‌برداری همه‌جانبه از معادن کشور با رفع هر نوع مانعی در مسیر این بهره‌برداری را دیکته می‌کند، غافل از این که در عمل، رعایت اصول حفاظتی و احیایی مراتع، جنگل‌ها و حوزه‌های آبخیز مانع تلقی خواهد شد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که در اساسی‌ترین بخش برنامه نیز که مربوط به حفظ منابع طبیعی و محیط زیست می‌باشد، روح حاکم بر قانون، نهایت استفاده و استخراج از منابع طبیعی کشور بدون در نظر گرفتن اقدامات احیایی و حفاظتی آن بوده است.

به طور کلی در اکثر بخش‌های اقتصادی و کشاورزی برنامه، تکالیف و الزامات قانونی متعددی در راستای بهره‌برداری هر چه بیش‌تر از خاک، آب و اراضی زراعی به تصویب رسیده است. بر همین اساس فشار مضاعفی در قالب حوزه‌های آبخیز بر منابع طبیعی وارد شده است اما وضع قوانین حفاظتی و حمایتی که بتواند مانع تخریب منابع در مقابل استفاده‌ی افسار گسیخته از آن شود صورت نگرفته و یک یا دو ماده‌ی قانونی ذکر شده نیز به هیچ وجه متناسب با استفاده‌ی صورت گرفته از منابع آبی و خاکی کشور نبوده است.

برنامه‌ی سوم توسعه

در این برنامه بر خلاف دو برنامه‌ی قبل فصول جداگانه‌ای به مباحث محیط‌زیست و آب و کشاورزی اختصاص داده شده است. به طوری که فصل ۱۲ با دو ماده به مباحث "محیط‌زیست" و فصل ۱۳ با چهار ماده تحت عنوان "آب و کشاورزی" مجموعاً شش ماده را به این مباحث اختصاص داده‌اند. در برنامه‌ی سوم تنها دو بند در مواد قانونی ۱۰۴ و ۱۰۶ به بحث جنگل، مرتع و آبخیزداری پرداخته‌اند.

با توجه به این که ماده‌ی ۱۰۴ بند الف (... دولت موظف است ضمن حفظ روند رشد تولیدات و بهره‌برداری پایدار از منابع، با اجرای طرح‌هایی از قبیل "تعادل دام و مرتع"، "خروج دام از جنگل" و "تأمین علوفه دام" و سوخت جنگل‌نشینان، عشایر و روستائیان ... ترتیبی اتخاذ نماید که تعادل محیط زیست نیز حفظ شود). تکلیف قانونی دو برنامه‌ی قبل نیز بوده است، تکرار آن در این برنامه بیان‌گر عدم تحقق این تکلیف قانونی در برنامه‌های قبل می‌باشد. هم‌چنین این موضوع نشان می‌دهد تفکر و ذهنیتی غیرتخصصی، کاملاً کیفی و مبهم از منابع طبیعی، جنگل، مراتع و حوزه‌های آبخیز در میان برنامه‌ریزان حاکمیت دارد. ماده‌ی ۱۰۶ بند الف (به منظور جلب منابع مالی بیشتر جهت سرمایه‌گذاری و تسریع در اجرای طرح‌های تأمین آب و خاک کشاورزی، شبکه‌های اصلی و فرعی آبیاری و زهکشی طرح‌های کوچک آبی و احیاء قنوات و چشمه‌سارها، دام و طیور و دامپزشکیو شیلات، منابع طبیعی (جنگل، مرتع و بیابان) آبخیزداری، نوغانداری، زراعت و باغداری اعتبارات لازم را در بودجه‌های سالانه منظور و از طریق وزارتخانه ذی‌ربط در اختیار بانک کشاورزی قرار دهد [۱۲]) نیز توجه مشخص و خاصی به مقوله‌ی حفاظت خاک، جلوگیری از فرسایش و اجرای طرح‌های آبخیزداری ندارد. در این برنامه علی‌رغم این که موارد مهمی چون حفاظت خاک و آبخیزداری به دلیل بی‌توجهی، در تلفیق با سایر بخش‌های آب و کشاورزی و محیط‌زیست آن هم به صورت کاملاً کلی و ناکافی مورد توجه قرار گرفته است اما در مورد مواردی مانند آلوده‌سازی هوا توسط انواع وسایل نقلیه، قانون‌گذار در برنامه‌ی کلانی مانند برنامه‌ی پنج‌ساله‌ی توسعه حتی وارد جزئیاتی مانند تعیین میزان دقیق جریمه به تفکیک وسایل نقلیه‌ی آلوده کننده نیز شده است. این امر نشان می‌دهد که تا این مقطع نیز موضوع منابع طبیعی، خاک، آب و آبخیزداری به درستی تبیین و درک نشده است.

برنامه‌ی چهارم توسعه

شاید بتوان برنامه‌ی چهارم توسعه را از نظر قوانین کمی و اهمیت این قوانین در حوزه‌ی آبخیزداری و حفاظت خاک، جنگل و مراتع درخشان‌ترین و مرفقی‌ترین برنامه بین برنامه‌های توسعه‌ی کشور تا کنون دانست. در این برنامه به طور کلی دو ماده‌ی ۵۹ و ۶۹ از مواد قانونی است که مستقیماً به مسائل حفاظت خاک و آبخیزداری و متعاقب آن حفظ منابع آب اشاره دارد. بر اساس ماده‌ی ۵۹ که می‌تواند یکی از مرفقی‌ترین مواد قانونی برنامه‌های توسعه در حوزه‌ی منابع طبیعی و محیط‌زیست کشور باشد، دولت مکلف به ارزش‌گذاری اقتصادی منابع طبیعی و محیط‌زیست شده است. فارغ از اجرایی شدن یا نشدن این ماده‌ی قانونی، آغاز چنین رویکردی می‌تواند ثمرات بهتری برای منابع طبیعی و محیط‌زیست کشور داشته باشد. دلیل این که کمی‌ترین برنامه در مورد منابع طبیعی برنامه‌ی چهارم به نظر می‌رسد، مربوط به ماده‌ی ۶۹ است. در برخی از بخش‌های این ماده چنین آمده است:

"دولت مکلف است برنامه حفظ، احیاء، اصلاح، توسعه و بهره‌برداری از منابع طبیعی تجدیدشونده را باتوجه به اولویت‌های زیر تنظیم و به مورد اجراء بگذارد: الف- خروج دام از جنگل و ساماندهی جنگل نشینان شمال تا پایان برنامه چهارم به میزان هفتاد درصد (۷۰٪) باقیمانده دام و جنگل‌نشینان در پایان سال ۱۳۸۳.

ب - کاهش پنجاه درصد (۵۰٪) دام مازاد از مراتع جهت تعادل بین دام و مرتع و همچنین لغو و اصلاح پروانه چراهای مربوطه.

ج - اجرای عملیات آبخیزداری در بیست درصد (۲۰٪) سطح حوزه‌های سدهای در دست اجراء، تمام شده و ده درصد (۱۰٪) حوزه‌های سایر مناطق.

هـ - توسعه فضای سبز و جنگلهای دست کاشت به میزان حداقل پانصد هزار هکتار. همچنین اجرای عملیات کنترل کانونهای بحرانی بیابان‌زا به میزان حداقل یک و نیم میلیون هکتار.

و- اجرای عملیات پخش سیلاب در حوزه‌های شهری، روستائی و سایر اراضی کشاورزی و منابع طبیعی به میزان یک و نیم میلیون هکتار به منظور ایجاد مراتع مشجر، تبدیل اراضی بیابانی به زراعی و تغذیه آبخوان‌ها.

ح- پوشش کامل سوخت‌رسانی به عشایر، جنگل‌نشینان و روستائیان.

ط- گسترش مشارکت شوراهای روستائی و بسیج محلی در حفاظت از جنگل‌ها و مراتع به میزان پانزده درصد (۱۵٪) از سطح عملیاتی [۵].

همان‌طور که ملاحظه شد، در این برنامه اهداف و تکالیف قانونی در رابطه با حفاظت خاک و آبخیزداری و به‌طور کلی منابع طبیعی حالتی منسجم و کمی به خود گرفته است. این روند نه تنها اجرای برنامه را تسهیل می‌کند بلکه پایش میزان پیشرفت و اجرایی شدن اهداف در طول زمان اجرای برنامه را نیز ممکن می‌سازد.

برنامه‌ی پنجم توسعه

در این برنامه نیز رویکرد برنامه‌ریزی کمی و دقیق در مورد منابع طبیعی ادامه پیدا کرده است. حتی در مورد سایر بخش‌ها مانند کشاورزی نیز سعی شده است تا قوانین مربوط به ارتقاء سطح استانداردهای کشاورزی مانند استفاده از سموم، بهره‌وری آبیاری، تولید محصولات ارگانیک و ... مورد توجه قرار گیرد. مواد قانونی که در آن‌ها مشخصاً به حفاظت خاک، آبخیزداری و حفظ منابع آب اشاره شده است شامل مواد قانونی ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۷ و ۱۴۸ می‌باشند. در ماده‌ی ۱۴۰ که معطوف به توسعه‌ی پایدار منابع آب کشور می‌باشد در راستای ایجاد تعادل بین تغذیه و برداشت از سفره‌های آب زیرزمینی در کلیه دشتهای کشور، وزارت نیرو مکلف به تحقق مواردی از قبیل "پروژه‌های سازه‌ای و غیرسازه‌ای در سطح تمامی دشتهای کشور با اولویت دشتهای ممنوعه آبی".... "اجرای نظام مدیریتی آب کشور براساس سه سطح ملی، حوضه‌های آبریز و استانی به نحوی... که تا پایان برنامه با توجه به نزولات آسمانی، ترازمنفی سفره‌های آبری

رزمینی در این دشتهای نسبت به سال آخر برنامه چهارم حداقل بیست و پنج درصد (۲۵٪) (دوازده و نیم درصد (۱۲/۵٪) از محل کنترل آبهای سطحی و دوازده و نیم درصد (۱۲/۵٪) از طریق آبخیزداری و آبخوان‌داری با مشارکت وزارت جهادکشاورزی بهبود یافته و با استقرار نظام بهره‌برداری مناسب از دشتهای موضوع این بند اهداف پیش‌بینی شده را تحقق بخشد» شده است [۳].

ماده‌ی ۱۴۱ دولت را مکلف به اجرای طرح‌های حفاظت خاک و آبخیزداری در حوزه‌های بالادست سدهای مخزنی کرده است. در ماده‌ی ۱۴۷ در بیانی دقیق‌تر از ماده‌ی ۵۹ برنامه‌ی چهارم، ارزش‌گذاری اقتصادی (کارکردهای بازاری و غیربازاری) منابع طبیعی هدف‌گذاری شده است و در ماده‌ی ۱۴۸ به‌منظور اصلاح الگوی بهره‌برداری از جنگلهای، مراتع و آب و خاک علاوه بر جایگزینی سوخت فسیلی به‌جای سوخت هیزمی، توسعه‌ی جنگل دست‌کاشت، حمایت از تولید دام به روش صنعتی و اجرای عملیات بیابان‌زدایی و کنترل کانونهای بحران، اجرای عملیات آبخیزداری تا سطح هشت میلیون هکتار تا پایان برنامه نیز در نظر گرفته شده است. به‌طور کلی می‌توان گفت که دو برنامه‌ی چهارم و پنجم توسعه در میان پنج برنامه‌ی توسعه‌ی کشور در توجه به مقوله‌های حفاظت آب و خاک و آبخیزداری جایگاه ممتازی را دارا هستند. دلایل این امر را می‌توان تعداد مواد قانونی، رویکرد کمی و مشخص و نگاه ویژه به آبخیزداری در قالب مواد قانونی مجزا دانست.

هر چند مواد قانونی مرتبط با منابع طبیعی در برنامه‌ی پنجم پیش‌تر از برنامه‌ی چهارم است اما از آن‌جایی که قانون‌گذاری منسجم در خصوص حفاظت خاک و آبخیزداری از برنامه‌ی چهارم آغاز شده است، این برنامه را می‌توان نقطه عطف برنامه‌ریزی دقیق، مناسب و متناسب در امر منابع طبیعی قلمداد نمود. از طرفی توجه بیش‌تر در برنامه‌ی پنجم توسعه به منابع طبیعی نمی‌تواند صرفاً ناشی از تغییر تفکر حاکم بر برنامه‌ریزان و تصمیم‌گیران امر باشد بلکه بخشی از آن، اجبار ناشی از نتیجه‌ی بحران‌ها و معضلاتی مانند کاهش سطح آب سفره‌های زیرزمینی، بحران تامین آب کشاورزی و شرب و پدیده‌ی ریزگردها می‌باشد که به رویکرد درمان‌محور برنامه‌ی پنجم انجامیده است. بر همین اساس هر چند از نقطه‌نظر نسبی، برنامه‌های چهارم و پنجم توسعه وضعیت بهتری در پرداختن به حفاظت خاک و آبخیزداری دارند اما رویکرد درمان‌محوری به‌ویژه در برنامه‌ی پنجم نشان می‌دهد که مقوله‌ی منابع طبیعی و حفاظت آب و خاک و آبخیزداری هم‌چنان جایگاه شایسته‌ی خود در سطح برنامه‌ریزی‌های کلان کشور را نیافته است.

جایگاه متخصصین حفاظت خاک و آبخیزداری در امر تصمیم‌سازی در مدیریت منابع طبیعی
امروزه کشور ایران با توجه به گسترش ظرفیت آموزش عالی و تحصیلات تکمیلی دارای تعداد زیادی از فارغ‌التحصیلان جوان منابع طبیعی بویژه در زمینه‌ی حفاظت خاک و آبخیزداری می‌باشد.

جدول ۲- وضعیت فرسایش و رسوب در ایران از نظر مسئولین و متخصصین (اقتباس از مصفایی و طالبی [۸]).

مسئول مربوطه	تن در هکتار در سال	میلیارد تن در سال
رئیس موسسه تحقیقات آب و خاک کشور (۱۳۸۹)	-	۲
رئیس سازمان جنگل‌ها (۱۳۸۹)	۱۶/۷	-
رئیس سازمان جنگل‌ها (۱۳۹۰)	۲۲	-
معاون آبخیزداری سازمان جنگل‌ها (۱۳۹۰)	۱۶	-
معاون آبخیزداری سازمان جنگل‌ها (۱۳۹۰)	۱۶/۷	۲/۵
مدیر کل دفتر حفاظت خاک سازمان جنگل‌ها (۱۳۸۹)	بیش از ۱۶/۵	-
برخی از اساتید متخصص (۱۳۸۵)	۱۷/۴	-
رئیس مرکز تحقیقات منابع طبیعی مازندران (۱۳۸۸)	۵ برابر آسیا	-
مدیر کل منابع طبیعی استان گلستان (۱۳۸۸)	۲۰ تا ۲۵	-
معاون تولیدات گیاهی جهاد کشاورزی (۱۳۸۸)	-	۲
فائو	-	۳ تا ۴
محدوده‌ی نظرات	۱۶ تا ۲۵	-

هم‌چنین سرمایه‌ی ارزشمند حضور و فعالیت چندین ساله‌ی اساتید خبره‌ی دانشگاهی و متخصصان با تجربه‌ی مراکز تحقیقاتی، پتانسیل عظیمی از دانش فنی و نیروی انسانی در این حوزه را فراهم آورده است. اما بررسی برنامه‌های توسعه و توجه بسیار اندک این برنامه‌ها به حفاظت خاک و آبخیزداری مشخص می‌کند که اثرگذاری و ایجاد فرآیند تصمیم‌سازی از سوی این قشر، به‌ویژه اساتید و پژوهشگران محترم دانشگاهی در حد قابل قبول نبوده است. بر همین اساس در ادامه به نمونه‌هایی از این موارد اشاره خواهد شد که نقش‌آفرینی بیش‌تر جامعه‌ی تخصصی این حوزه با استفاده از راه‌های جدیدتر و جدی گرفتن یافته‌ها و گفته‌های تخصصی و فنی این قشر از سوی مسئولین امر را تاکید می‌نماید. کارکردی که در صورت تحقق به برنامه‌ریزی‌های منجر به ارائه‌ی راه حل معنی‌دار برای حل معضلات منابع طبیعی کشور منتج خواهد شد. جدول ۲ وضعیت فرسایش و رسوب از نظر مسئولین و متخصصین حوزه‌ی حفاظت خاک و آبخیزداری را نشان می‌دهد.

همان‌طور که مشخص است محدوده‌ی نظرات در مورد فرسایش متوسط کشور از ۱۶ تا ۲۵ تن در هکتار در سال متغیر است. محدوده‌ی تفاوت فرسایش ۹ تن در هکتار در سال قاعدتاً ناشی از عدم وجود پژوهشی دقیق و جامع در مورد میزان فرسایش در کشور است. این امر در شرایطی است که نزدیک به نیم قرن از آغاز فعالیت‌های حفاظت خاک و آبخیزداری در کشور می‌گذرد و با وجود شبکه‌ی وسیعی از اساتید، دانشکده‌های منابع طبیعی، پژوهشگاه‌ها

جدول ۳- وضعیت فرسایش و رسوب در ایران بر اساس مطالعات انجام شده

طرح سیمای فرسایش حوزه‌های آبخیز کشور (نوع متغیر (متوسط تن در هکتار در سال	میلیارد تن در سال
فرسایش ویژه	۷
رسوب ویژه	۰/۹۸
فرسایش کل	- تقریباً ۱
رسوب کل	- تقریباً ۰/۱
برآورد فائو با استفاده از معادله‌ی جهانی فرسایش خاک	-
فرسایش ویژه	۶ تا ۳۰
اندازه‌گیری مستقیم	-
رسوب ویژه	۲ تا ۳/۵

و انجمن‌های علمی هیچ اقدامی در راستای تدوین پژوهشی ملی و در عین حال دقیق و جامع در مورد وضعیت فرسایش و رسوب در کشور تدارک دیده نشده است.

از پیامدهای این امر عدم ایجاد توانایی در متخصصین امر در توجیه تصمیم‌گیران حاکمیتی و قانون‌گذاران و برنامه‌ریزان، با اعداد و ارقام علمیو متفن در راستای برنامه‌ریزی صحیح است که به نمونه‌هایی از آن‌ها در بررسی برنامه‌های توسعه‌ی پنج‌ساله اشاره شد. بدیهی است زمانی می‌توان در مورد موضوعی خاص برای آینده برنامه‌ریزی کرد که جایگاه فعلی در مورد آن موضوع در شرایط حاضر مشخص باشد و برنامه‌ای صحیح خواهد بود که متکی بر آمار و اطلاعات صحیحی باشد. امری که در مورد موضوع فرسایش خاک در کشور صدق می‌کند، چرا که مطالعه‌ی جامعه‌ی از میزان دقیق فرسایش در کشور صورت نگرفته است. از طرفی نتایج به‌دست آمده از اندک مطالعات با پوشش کل یا نزدیک به کل کشور نیز با توجه به دقت کم آن‌ها اعدادی با اختلاف زیاد را نشان می‌دهند. جدول ۳ میزان فرسایش و رسوب در ایران را از نظر مطالعات انجام گرفته در کشور نشان می‌دهد.

همان‌طور که از جدول ۳ مشخص است سه مطالعه تقریباً با پوشش کل کشور شامل طرح سیمای فرسایش، برآورد فائو و اندازه‌گیری مستقیم در مورد فرسایش و رسوب در کشور صورت انجام شده است. با توجه به برآورد حاصل از تهیه‌ی نقشه‌ی سیمای فرسایش کشور، تقریباً به‌جز ۹ حوزه‌ی آبخیز که ۸ مورد آن در مناطق مرکزی واقع شده‌اند [۲ و ۸]، بقیه‌ی آبخیزها در طبقه‌ی فرسایشی متوسط (۵ تا ۱۰)، زیاد (۱۰ تا ۱۵) و خیلی زیاد (بیش از ۱۵) قرار می‌گیرند و میزان فرسایش ویژه ۷ تن در هکتار در سال بیان شده است. این در حالی است میزان فرسایش ویژه بر اساس برآورد فائو ۶ تا ۳۰ و میزان رسوب ویژه بر اساس اندازه‌گیری مستقیم ۲ تا ۳/۵ تن در هکتار در سال گزارش شده است [۲ و ۸]. به‌طور کلی بر اساس

جدول ۴ مجلات علمی مرتبط با منابع طبیعی و آبخیزداری [۱۰]

عنوان	تعداد	توضیحات
مجلات دارای عنوان منابع طبیعی	۱۳ مورد	-
مجلات دارای عنوان آبخیزداری	۳ مورد	با یک هم‌پوشانی*
مجلات با عنوان آب و خاک	۸ مورد	-
مجلات با عنوان آبخیز	۱ مورد	-
مجلات با عنوان بیابان	۲ مورد	-
مجلات با عنوان مرتع	۴ مورد	دو مورد هم‌پوشانی
مجلات با عنوان جنگل	۶ مورد	دو مورد هم‌پوشانی
مجموع	۳۳ مجله	-

* هم‌پوشانی در مواردی است که در عناوین مجلات کلمات ترکیب مشابه وجود داشته و در جستجوی عناوین دو بار یا بیش‌تر محاسبه شده‌اند.

جدول ۵- انجمن‌های علمی مربوط به کشاورزی و منابع طبیعی [۷]

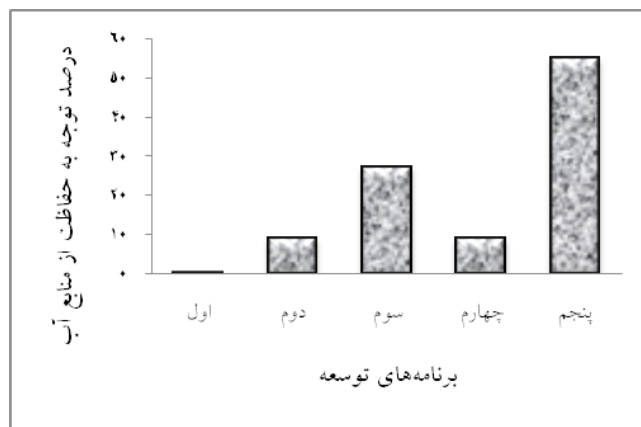
نام	سال تاسیس	نام	سال تاسیس
انجمن آبخیزداری	۷۷	انجمن ترویج و آموزش کشاورزی ایران	۷۳
انجمن جنگل‌بانی ایران	۸۲	انجمن آبیاری و زهکشی ایران	-
انجمن گیاهان دارویی ایران	۸۴	انجمن مهندسی آبیاری و آب ایران	۸۱
انجمن مدیریت و کنترل مناطق بیابانی ایران	-	انجمن کشاورزی بوم شناختی ایران	۸۴
انجمن مرتعداری ایران	۷۹	انجمن علوم زراعت و اصلاح نباتات ایران	۷۷
انجمن علوم خاک ایران	-	انجمن توسعه روستایی ایران	-

مجموع انجمن‌های علمی کشاورزی: ۲۶ مورد

مجموع انجمن‌های مربوط به آبخیزداری، جنگل و مرتع: ۵ مورد

برنامه‌های توسعه در حوزه منابع طبیعی در جهت مدیریت صحیح این منابع چیست؟

در همین راستا جدول ۵ تعداد و سابقه‌ی تاسیس انجمن‌های علمی کشاورزی و منابع طبیعی کشور را نشان می‌دهد. در مجموع ۲۶ انجمن علمی کشاورزی در کشور وجود دارد که در جدول ۵ به برخی از آنان که حدود دو دهه سابقه دارند اشاره شده است. سهم منابع طبیعی اعم از جنگل، مرتع و حوزه‌های آبخیز پنج انجمن علمی است که برخی موارد مانند انجمن آبخیزداری نزدیک به دو



شکل ۱- میزان توجه برنامه‌های توسعه به حفاظت منابع آب شیرین (اقتباس داده‌های شکل از افراخته و همکاران [۱])

منابع موجود، میزان فرسایش و رسوب ویژه در کشور به‌ترتیب از ۶ تا ۳۰ و ۱ تا ۳/۵ تن در هکتار در سال متغیر و میزان رسوب خروجی از حوزه‌های آبخیز از ۰/۱ تا ۴ میلیارد تن در سال بیان شده است. بنابراین با گذشت مدت‌ها از مطالعات ذکر شده، متخصصین مربوطه موفق به رفع کاستی‌های آماری و اطلاعاتی ذکر شده در قالب مطالعات جدید و به‌روزتر متناسب با نیازهای کشور برای تصمیم‌سازی‌ها و برنامه‌های جدید نشده‌اند.

نمونه‌ای دیگر از عدم نقش‌آفرینی به‌هنگام جامعه‌ی تخصصی حفاظت خاک و آبخیزداری در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری در امر حفاظت خاک و آبخیزداری در سطح کلان، درمان‌محوری برنامه‌های پنج‌ساله‌ی توسعه‌ی کشور به‌جای تشخیص و هشدارمحوری و پیشگیرانه بودن این برنامه‌هاست. به‌عنوان مثال همان‌طور که شکل ۱ نشان می‌دهد، بیش‌ترین توجه به حفاظت از منابع آب شیرین در برنامه‌ی پنجم توسعه‌ی کشور اتفاق افتاده است.

این در حالی است که در زمان تصویب برنامه‌ی پنجم نتایج استفاده‌ی بی‌رویه از منابع آب شیرین و خطرات و بحران‌های آیدر کشور ظاهر گشته‌اند و این جهش در توجه به منابع آبی نیز ناشی از رویکرد درمانی تصمیم‌گیران می‌باشد که البته در کوتاه‌مدت موثر نخواهد بود. میزان توجه به حفاظت از منابع آبی در برنامه‌ی چهارم نیز موید نبود رویکرد تشخیص‌محور و پیش‌گیرانه و اعمال آن در تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌های کلان‌کشوری است. بنابراین جامعه‌ی علمی مربوطه با فرض تشخیص مشکل و مسئله در به‌هنگام‌ترین زمان ممکن، در انتقال این یافته به مسئولین امر دچار ضعف گفتگویی و ساختار تشکیلاتی و مدیریتی است.

این در حالی است که بر اساس جدول ۴، حدود ۳۳ نشریه‌ی علمی پژوهشی و یا ترویجی اعضای هیئت تحریریه‌ی زبده و دارای بالاترین مدارج علمی، به‌انعکاس و ارائه‌ی جدیدترین یافته‌ها و پژوهش‌های جامعه‌ی تخصصی منابع طبیعی می‌پردازند. این واقعیت، این سوال جدی را مطرح می‌سازد که دلیل عدم انتقال نتایج و یافته‌های علمی و مدیریتی این حوزه و عدم تاثیرگذاری آن بر

دهه سابقه‌ی فعالیت دارد.

با این حال بررسی نوع توجه صورت گرفته به مقوله‌های منابع طبیعی در اسنادی مانند برنامه‌های پنج‌ساله‌ی کشور با توجه به روح کیفی قوانین به همراه درمان‌محور بودن رویکردها، نشان دهنده‌ی عدم کارکرد فعال، تصمیم‌ساز و به‌هنگام انجمن‌های علمی و نشریات علمی جامعه‌ی تخصصی منابع طبیعی، به‌ویژه در بخش حفاظت خاک و آبخیزداری می‌باشد.

نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

به‌طور کلی بررسی اسناد پنج‌ساله‌ی توسعه از نظر توجه این برنامه‌ها به موضوعات حفاظت از منابع طبیعی به‌ویژه در بخش آب و خاک و آبخیزداری در موارد زیر قابل جمع‌بندی است:

۱- این برنامه‌ها نشان می‌دهند که برنامه‌ریزان تلقی و درک صحیحی از نقش حوزه‌های آبخیز و حفاظت آب و خاک و آبخیزداری در تولید ناخالص ملی و تحقق توسعه‌ی پایدار ندارند. بر همین اساس در اکثر برنامه‌ها رویکرد دقیق و مشخصی در مورد حفاظت از این منابع تکلیف نشده و به مواد قانونی محدود و اغلب کلی و کیفی بسنده شده است. هر چند در برنامه‌های چهارم و پنجم وضعیت توجه به حفاظت آب و خاک چه از نظر مواد قانونی اختصاص یافته و چه از نظر کیفیت قانون و تکالیف وضع شده، بهبود می‌یابد اما این مقدار از توجه به فشار ایجاد شده بر منابع طبیعی کشور در ادوار گذشته، مناسب و متناسب نمی‌باشد. از طرفی ظهور عوارض منفی استفاده‌های بی‌رویه از منابع آبی و خاکی کشور، توجه صورت گرفته در برنامه‌ها را نیز به سمت رویکردهای صرفاً درمانی سوق داده است و از برنامه‌های پیش‌گیرانه در راستای حفاظت آب و خاک و آبخیزداری استفاده نشده است.

۲- علی‌رغم وجود دانش فنی و شبکه‌ی بزرگی از دانشکده‌ها، پژوهشگاه‌ها، انجمن‌های علمی تخصصی، اساتید و دانشجویان تحصیلات تکمیلی در حوزه‌ی منابع طبیعی و آبخیزداری، جریان‌سازی و تصمیم‌سازی در خوری در راستای تاثیرگذاری بر برنامه‌ریزی‌های کلان منابع طبیعی کشور صورت نگرفته و نمی‌گیرد. نشانه‌های این ادعا را می‌توان در عدم توجه شایسته در اسناد توسعه‌ی کشور به مقوله‌های حفاظت خاک و آبخیزداری و منابع طبیعی، نگاه عموماً غیرکمی برنامه‌ها در ایجاد تکالیف قانونی و هم‌چنین نامناسب و نامتناسب بودن توجه صورت خلاصه نمود. هر چند عدم کار تشکیلاتی منسجم و ارتباط فعال با رسانه‌های جمعی و مسئولین برنامه‌ریز در امر منابع طبیعی، عدم آگاهی بخشی عمومی در جامعه می‌توان از لایل این بی‌توجهی دانست، اما به نظر می‌رسد تلاش در پاسخ به سوالات زیر نتایج سودمندی را در مورد رفع کاستی‌های موجود حاصل خواهد کرد:

الف) جایگاه و ردپای متخصصین اثرگذار بخش جنگل، مرتع، آبخیزداری و حفاظت خاک در برنامه‌ریزی کلان منابع طبیعی کجاست؟

ب) دلایل عدم انتقال نگاه دانشگاهی و حفاظتی و پیشگیرانه در مورد منابع طبیعی به اسناد بالادستی چیست؟
ج) سهم و میزان اثرگذاری دانشکده‌ها و دانشگاه‌های منابع طبیعی کشور با توجه به میزان سرمایه‌گذاری صورت گرفته، در مدیریت صحیح منابع طبیعی چگونه است؟
د) راه‌های حل معضل عدم نقش‌آفرینی موثر جامعه‌ی علمی و متخصص منابع طبیعی در تصمیم‌سازی برای مدیریت کلان منابع طبیعی چیست؟

پیشنهادهای

در پایان با توجه به مطالعه‌ی صورت گرفته مواردی به‌عنوان پیشنهاد ارائه می‌شود. هر چند این پیشنهادات از نظر کارایی، نیازمند بررسی و تضارب آرا می‌باشند اما به‌عنوان پیشنهاداتی اولیه و از نظر فتح‌باب گفتگو و تفکر در این زمینه در میان متخصصین و دانشجویان امر، مفید به‌نظر می‌رسند.

۱- توجه به فرآیندهای ایجاد ارتباط دائم گروه‌های غیر دولتی و علمی موجود (انجمن‌های علمی) با بدنه‌ی حاکمیت و رسانه‌های تاثیرگذار گروهی

۲- ایجاد تدابیر لازم برای لحاظ نظرات علمی و عملی متناسب با نیاز منابع طبیعی کشور در برنامه‌های توسعه‌ی کشور در زمان تدوین اسناد

۳- پایش و بررسی صریح و قاطع تحقق تکالیف قانونی مربوط به منابع طبیعی در برنامه‌های توسعه و اطلاع رسانی عمومی و حساس کردن جامعه با فضا‌سازی رسانه‌ای مثبت

۴- ایجاد تکالیف قانونی متناسب و مناسب با مشکلات موجود منابع طبیعی و زمینه‌سازی تحقق بخش غیر اجرایی آن‌ها بر اساس پایان‌نامه‌های دانشجویی

۵- ایجاد شورای مرکزی و اتاق فکر واحد متشکل از تمام انجمن‌های علمی مربوط به منابع طبیعی برای عملیاتی شدن اهداف کلان

۶- تلاش برای اختصاص فصل یا سرفصلی جدا به منابع طبیعی، آبخیزداری و حفاظت خاک در اسناد پنج‌ساله

۷- تدوین و ارائه‌ی درسی دو واحدی در مقطع ارشد یا دکتری برای بررسی سازمان‌های مربوط به منابع طبیعی، جریان قانون‌گذاری در مورد آن، تسلط به قوانین موجود و ...

۸- تعیین نقشه‌ی راه داخلی برای دانشکده‌ها و اساتید منابع طبیعی کشور بر اساس تکالیف ایجاد شده در اسناد توسعه‌ی کشور

منابع

1- Afrakhteh, H., Hajipour, M., Gurzin, M. and Nejati, B. 2013. The Situation of Sustainable Agricultural Development in Iran Development Plans Case: Five-year plans After the Revolution.

- 8- Mosaffaie, J. and Talebi, A. 2014. A statistical view to the water erosion in Iran. Extension and Development of Watershed Management. 2(5): 9-17.
 - 9- Motavasseli, M. 2003. Economic development: concepts, theoretical foundations, institutional and methodological. The Organization for Researching and Composing University Textbooks in the Humanities (SAMT), Tehran.
 - 10- Scientific Information Database. <http://fa.journals.sid.ir/>
 - 11- Second Five-Year Development Plan of Iran. (FYDP, 1996-2000).
 - 12- Third Five-Year Development Plan of Iran. (FYDP, 2001-2005).
- Quarterly Journal of The Macro and Strategic Policies. 1(1): 43-62.
 - 2- Arabkhedri, M. 2014. A review of the rate of water erosion and sediment yield in Iran. Extension and Development of Watershed Management. 2(4): 23-30.
 - 3- Fifth Five-Year Development Plan of Iran. (FYDP, 2011-2015).
 - 4- First Five-Year Development Plan of Iran. (FYDP, 1990-1994).
 - 5- Fourth Five-Year Development Plan of Iran. (FYDP, 2006-2010).
 - 6- Iran's 20-Year Perspective Document/ Iran's 20-Year Vision Plan, (2005-2025).
 - 7- Iran Scientific Associations Commission. <http://www.isacmsrt.ir/>

*Report***Assessing Watershed Management Position in the Five-Year Development Documents of Iran**S. Najafi¹

Received: 2015/09/12 Accepted: 2015/11/19

Iran after glorious Islamic Revolution by compiling high level documents such as the Five-Year Development Plans (FYDP) has tried to change his position to a developed country in accordance with the requirements of cultural, geographical and historical and Islamic moral principles. These FYDPs according to the conditions and priorities of the country have had several considered sections by the governments. One of the most important sections refers to the existing problems and future goals in agriculture, environment and natural resources fields. Therefore, assessing the attention of the FYDPs to soil conservation and watershed management leads to holistic understanding about appropriateness between the past planning and natural resources facts and issues. This assessment showed authorities do not have comprehensive and precise understanding about role of watersheds, soil and water conservation and watershed management in gross domestic product and sustainable development. So, there are no precise and unambiguous approaches in FYDSs to protecting natural resources and have been satisfied to general, quantitative and inadequate legislation.

Keywords: *Natural Resources Journals, Natural Resources Laws, Scientific Societies, Soil Conservation, Soil Erosion*

1. PhD Student of Watershed Management Engineering, Faculty of Natural Resources and Marine Sciences, TarbiatModaresUniversity, Noor 46417-76489, Iran. e-mail: najafisaid65@yahoo.com